

دارنده مدال نقره المپیاد زیست کشور روزی ۱۰ ساعت درس می‌خواند

تلاش‌های پزشک آینده

امید
محله

زمانی که مهتاب فرخ فرخ نوجوان موفق ساکن در محله سجاده است که پس از کسب موفقیت‌های علمی در حوزه ریاضی و علوم توانسته است مدال نقره المپیاد کشوری زیست را به دست آورد. با او که خدمت در لباس پزشکی را هدف خود قرار داده است گفت و گو کردیم.

● موفقیت‌های پی‌درپی در المپیاد

سال ۸۱ در مشهد متولد می‌شود و در خانواده‌ای رشد می‌کند که مادر، پزشک و پدرش دندان‌پزشک است. او می‌گوید: توجه به درس و دانش در خانواده ما اهمیت بسیاری دارد. از همان کودکی مادر برای من و خواهرم کتاب‌های دایره المعارف تهیه می‌کرد تا به دانشمان افزوده شود. از کلاس ششم تا هشتم در مسابقات «شهر ریاضی» به‌طور گروهی شرکت کرده و رتبه‌های برتر را دریافت می‌کردم. این مسابقه به هوش افراد بستگی دارد و نحوه سوالات نیز به نوعی به زندگی به ریاضی می‌پردازد. شرکت در آن مسابقات برای من حس خوبی داشت زیرا در کنار حل مسئله، مشارکت با دیگران و لحظات خوب با دوستان را برایم به ارمغان آورد.

او ادامه می‌دهد: «سال هفتم در المپیادهای علمی دانش آموزی دوره اول متوسطه در رشته ریاضی شرکت کرده و در سطح استان قبول شدم. در این مسابقه افراد منتخب به اردوی علمی دوره دانشگاه فردوسی دعوت شدند. در آنجا هم از ما آزمون گرفتند. سال هشتم نیز در المپیاد ریاضی و علوم موفق به کسب دو مدال نقره در سطح استان شدم. سال نهم هم دوباره در المپیاد شرکت کرده و این بار در رشته ریاضی مدال برنز و در رشته علوم مدال طلا به دست آوردم.» او دست از تلاش بر نمی‌دارد و سال گذشته نیز با حضور در المپیاد کشوری موفق می‌شود مدال نقره در رشته زیست را کسب کند.

● آموختن را دوست دارم

مهتاب در دبیرستان رشته علوم تجربی را انتخاب کرده تا در آینده دندان‌پزشک موفق شود. او برای المپیاد بسیار زحمت کشیده است و می‌گوید: «روزی ۱۰ ساعت درس می‌خوانم و این عادت از کلاس ششم در من ایجاد شده است. آموختن را دوست دارم و علم آموزی برایم دلنشین است. المپیاد فرد را به لحاظ روحی و علمی قوی می‌کند. فرد از نظر علمی توانمندی استدلال کردن به دست می‌آورد و در زندگی شخصی نیز مستقل بار می‌آید. از طرف دیگر استرس‌های المپیاد سبب می‌شود استرس‌های کوچک تر را مهار کند و قوی بودن در مسیر را بیاموزد.»

با این حال گویا نقطه ضعفی نیز وجود دارد که دل مهتاب را رنجانده است. او می‌گوید: «متأسفانه کرونا زمان المپیاد را تغییر داد. به همین دلیل عقب افتادن از المپیاد و کنکور فشار روانی بسیاری بر شرکت‌کنندگان به وجود آورد. در حالی که اگر سیستم نظام‌مندی وجود داشت به‌شدت زمان بندی بهتری انجام خواهد شد.»

کرونا
زندگیکسادی بازار و رویارویی
لباس‌فروشی‌های محله نوده با کرونامشتری بدون ماسک
هم قبول است

منطقه



حسین برادران فرار عایت نکردن وی توجهی به پروتکل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی، سبب شد تا چندی پیش دوبار وضعیت مشهد از حالت نارنجی به حالت قرمز برسد، خیلی‌ها حضور بدون ماسک و رعایت نکردن اصول بهداشتی در مجتمع‌های تجاری و فروشگاه‌ها از دلایل این شیوع دوباره می‌دانند. در دیدار میدانی از چند فروشگاه لباس فروشی در محله نوده این موضوع را بررسی کردیم.

● فقر اقتصادی و بی‌سوادی

معصومه علیزاده از لباس‌فروش‌های حاشیه بولوار نجف (محله نوده) است. او معتقد است که فقر اقتصادی و سواد کم سبب شده است که پروتکل‌های بهداشتی به‌طور کامل و صددرصد رعایت نشود. علیزاده در توضیح بیشتر می‌گوید: تعداد در خور توجهی از مردم ساکن در این محله از لحاظ اقتصادی و سواد در سطح پایینی قرار دارند همین مسئله باعث شده که تعداد کمی از مشتری‌ها اعتقاد چندانی به استفاده از ماسک و فاصله اجتماعی نداشته باشند و بعد از تذکراتی چند باره ما از سراجبار و ناچاری، یک ماسک مچاله‌شده را از ته کیفشان بیرون آورده به صورتشان می‌زنند تا به قول معروف ماراساکت کنند. فقر اقتصادی نیز بی‌تأثیر نیست، خانواده‌هایی هستند که جمعیتشان هفت و هشت نفری است. خرید روزانه ۷ عدد ماسک حداقل ۵ هزار تومان هزینه دارد. روزی ۵ هزار تومان در ماه ۱۵۰ هزار تومان می‌شود، خانواده ترجیح می‌دهد با این پول شکمش را سیر کند تا اینکه ماسک بخرد. با وجود این ۷۰ درصد مشتری‌های ما ماسک می‌زنند.

● کسادی بازار فروش و نبود مشتری

مجید شکری از فروشندگان محله نوده می‌گوید: «ما همین‌راسته‌است و مغازه لباس‌فروشی دارد و با اشاره به کسادی بازار و نبود مشتری می‌گوید: قبل از کرونا از تمام نقاط شهر مشتری داشتیم، حتی از سیدی و طلاب برای خرید لباس می‌آمدند. این مغازه همیشه پر از مشتری بود، اما حالا پر نشده پر نمی‌زند. تک‌توک مشتری هم که می‌آید، نمی‌توانیم به خاطر نداشتن ماسک از مغازه بیرونش کنیم، چون با کوچک‌ترین تذکر یا برخوردی طرف جبهه‌گیری می‌کند و حتی ممکن است کار به جرح و بحث و نزاع بکشد. اگر هم این کار را نکنند با ناراحتی مغازه را ترک می‌کند، نبود مشتری یعنی نبود درآمد.»

او ادامه می‌دهد: «هزینه ماهانه اجاره این مغازه ۵ میلیون تومان است با هزینه برق، آب و کارگر تا ۱۰ میلیون تومان هم می‌رسد. با این وضعیت کسادی بازار هیچ‌فروشنده‌ای دوست ندارد به خاطر یک ماسک و شکسته‌خانه نشین شود.»

یکی دیگر از مغازه‌داران می‌گوید: «سال گذشته از طرف بسیج محله ماسک‌های رایگان توزیع می‌شد و ما نیز آن‌ها را به مشتری‌های بدون ماسک می‌دادیم، اما حالا این کار انجام نمی‌شود. با وجود این نیمی از مشتری‌های ما ماسک می‌زنند و پروتکل‌های اجتماعی را رعایت می‌کنند.»

رجبی ادامه می‌دهد: «تا همه دست‌به‌دست هم‌نهم این بیماری شورش کم نمی‌شود.»

منطقه

